

هرگز رهايم مکن



کازوئو ایشی گورو

ترجمه سهيل سمي

انتشارات ققنوس

تهران، ۱۳۹۸



## فصل یکم



اسمم کتی اچ است. سی و یک سال دارم و بیش از یازده سال است که پرستارم. می‌دانم، یک عمر است؛ اما راستش می‌خواهند هشت ماه دیگر هم ادامه بدهم، یعنی تا آخر سال. با این حساب تقریباً می‌شود دوازده سال تمام. حالا می‌دانم که سابقه کار طولانی‌ام ضرورتاً به این معنا نیست که کارم از نظر آن‌ها محشر است. پرستاران خیلی خوبی را می‌شناسم که دو سه ساله عذرشان را خواسته‌اند. و دست‌کم یک پرستار را می‌شناسم که به رغم بی‌مصرف بودن، چهارده سال آزرگار به کارش ادامه داد. پس قصدم لاف زدن نیست، اما به هر حال حتم دارم که از کارم راضی بوده‌اند، و در کل، خودم هم همین‌طور. بهبود بیمارانم همیشه بیش از حد انتظار بوده. دورهٔ نقاهتشان به نحوی قابل ملاحظه کوتاه بوده، و تقریباً هیچ کدامشان ذیل گروه «پریشان» دسته‌بندی نشده‌اند، حتی تا قبل از اهدایی چهارم. قبول، شاید حالا دارم لاف می‌زنم. اما همین که می‌توانم کارم را